DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.2.6

سرِ مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. زندگی شبکه‌ای نسل ما در جامعهٔ جهانی، واقعیتی انکارناپذیر است که عنصری مانند «سیّالیّت فرهنگ» یکی از شاخص‌های بارز آن است. فرهنگ ما پیوندی تنگاتنگ با فرهنگ-های دیگر دارد و هر فرهنگی در فرآیند همین تعامل است که حیات معنوی خود را نشان می‌دهد.

۲. امروز همگان این حقیقت را بعینه می‌بینند که فرهنگی امکان زیست در فضای جهانی را دارد که فراخ زیست باشد نه تنگ زیست. در پویهٔ تعامل است که یک فرهنگ پویا، خود را به شکل قوی، زنده، زایا و پایا نگاه می‌دارد؛ وگرنه هیکلی نحیف است که در برابر بادهای وزندهٔ فرهنگ‌های دیگر تاب تحمل ندارد و در واقع مرده است، گرچه کالبدی از آن بر جای مانده باشد.

۳. دقت شود که در این بیان، حقانیت یا بطلان یک گفتمان بر اساس مبانی نفس الامری مورد نظر نیست، بلکه حضور اهل آن گفتمان در جغرافیای فرهنگی زمان موضوع کلام است؛ یعنی رواج آن گفتمان در میان اهل نظر، و حضور آن در ذهن و زبان، بلکه در دل و جان آنان؛ به گونه‌ای که عمل خالصانه‌شان زبان گویای عقیده‌شان باشد. به گفتهٔ دانشور فقید حکیمی: «ملاک کار، زمان است، نه فرار از زمان و طرد زمان و قهر با زمان و نشناختن زمان و پسِ پشت انداختنِ زمان».

٤. این حضور زنده، از معبر «خودیابی» می‌گذرد. فرهنگ زنده باید به مرحلهٔ «خودیابی» رسیده باشد، یعنی بیش و پیش از آن باید بنای خودیابی را از طریق گفتگو با دیگران داشته باشد تا بتواند از خود نگاهبانی کند. برای این کار، باید ارزشها و باورهای خود را نیک

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.2.6]

بشناسد و نیک بشناساند و در همین فرآیند، از آنها صیانت کند.

۵. آنچه گفته آمد، شاید جلوه‌ای باشد از آموزهٔ گرانسنگ امام صادق علیه السلام که فرمود: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس» (کافی، کتاب العقل و الجهل، حدیث ۲۹). واقع این است که ما امروز بیش از هر زمان دیگری، به عناصری نیازمندیم، از قبیل: شناخت مرزهای فکری با همهٔ تنوّع آنها، تربیت مرزبانهای مناسب این مرزهای متنوّع، حضور در زمان، زمان آگاهی و ویژگی‌هایی از این دست، تا بتوانیم مدیریت روحی و فکری جامعه را در دست گیریم، نه اینکه پژوهندگانمان در آفاق اندیشه‌ها سرگردان پرسه زنند و راهی به سرمنزل نجات خود نیابند.

۶. سخن در این است که این خودیابی را باید بر اساس گنجینهٔ گران ارجی به سامان رساند که پیامبر رحمت، امت را برای رهایی از ضلالت به آنها سپرد: کتاب و عترت. بجز این یادگارهای ماندگار الهی، سرسپردن به هر خوانشِ دیگری از دین، تنها اختلاف می‌افزاید و سردر گمیِ موجود را بیش از پیش دامن می‌زند.

اینک به اقتضای موضوع این شماره و محدودیت فضای این قلم‌انداز، سخن را به «پژوهشهای حدیثی» محدود می‌سازیم؛ وگرنه اذعان داریم که اقیانوسِ ناپیدا کرانهٔ قرآن، گسترده‌تر از آن است که در چنین ظرف‌های محدودی بگنجد.

۷. شیخ طوسی در کلامی مهم وضع عالمان زمان خود را در یک جمله کوتاه چنین گزارش می‌کند: «کان شیوخنا رحمهم الله، المتقدّمون منهم و المتأخّرون... بلغوا النهایة القصوی فی استقصاء ما اقتضت أزمنتهم من الأدلّة و الکلام علی المخالفین؛ فإنّه قد تجدّد من شبهات القوم ما یحتاج معها إلی ترتیبات أُخر». (نقل در: سلسله مقالات «آفاق فکری برون حوزه‌ای» استاد فقید محمد رضا حکیمی)

باید در عبارت «النهایة القصوی» ژرف نگریست. این عبارت، فرمان امام امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه را به یاد می‌آورد که فرمود: «ارم ببصرک أقصی القوم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۱). یعنی در مقام دفاع از دین، باید افق‌های دور را در نظر بگیریم و به کاری «یکبار مصرف» دلخوش نشویم و «شبهات متجدد» را از نظر نیفکنیم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.2.6]

از سوی دیگر، این شهادت صادقانه از شیخ الطائفه مربوط به زمانی است که ارتباطات در نهایت دشواری بود و دستیابی به دستاوردهای اندیشگی بسیار سخت. اینک در این زمان که «دورهٔ ارتباطات و اطلاعات» نام گرفته و فاصلهٔ مکانی به صفر گرویده، آیا نسل فعلی برای دست نیافتن به آن چشم‌انداز قرن چهارم و پنجم بهانه‌ای دارد؟

۸. وضعیت موجود ما بر اساس شاخص «خودیابی فرهنگیِ مبتنی بر گنجینهٔ پربار حدیثیِ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام» نه با گذشتهٔ درخشان ما سازگار است، نه با ضرورت فعلی زمانهٔ ما و نه با آینده‌نگریِ بایستهٔ حضور در زمانهٔ پرکشاکش و رقابت خیزی که پیش رو داریم.

شکوه قلّه‌هایی رفیع مانند کلینی و صدوق و مفید و طوسی، از یک سوی، عظمت روحیِ این بزرگان را نشان می‌دهد. امّا تکرار شدنِ بسیار محدود آنها در گذر زمان، نشان می‌دهد که بستری برای این‌گونه پویایی‌ها از سوی ما طراحی نشده است. لذا اینان استثنا به شمار می‌آیند؛ ولی ما، در این میانه خوشنود به شعارهایی از این قبیل که بگوییم: «به هر الفی الِف قدّی بر آید». این در حالی است که هم ظرفیت گسترهٔ کلام زندگی‌ساز اهل بیت نور، بیش از این است و هم انتظار بشر تشنهٔ معنویت بسیار بیشتر از این.

۹. در این مجال، از تعداد زبانهای ترجمهٔ انجیل نمی‌گوییم که سر به چند هزار می‌زند؛ بلکه به برخی از متون کلاسیک اشاره می‌شود که به چند صد زبان ترجمه شده‌اند. انصاف دهیم! آیا پیامهای انسانی که در این متون کلاسیک آمده، بیشتر از نکات انسان‌ساز موجود در صحیفهٔ سجادیه و دعاهای مأثور از امامان نور و عهد مالک است؟

اما سخن از تلاش‌های جنبی است که برای فرآوریِ جهانیِ این پیامها صورت می‌گیرد که با نگاهی منصفانه و صادقانه، کارنامهٔ کم‌برگ و کم‌بارِ ما در عرضهٔ مناسب این مواریث الهی فرادید ما می‌نهد و شرمندگی ما را می‌افزاید.

۱۰. به این واقعیت‌های اسف‌بار، وجه دیگری باید افزود.

خوش نداریم ولی ناگزیریم باور کنیم که «نا-جانشینانِ» پیامبر رحمت که به ادّعای

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.2.6]

وراثت و وصایت حضرتش، بر جان و نان و ایمان مردم مسلّط شدند، با آمیزه‌هایی از «دانش، بینش، منش و کُنش» خود که احیای فرهنگ جاهلیت را هدف گرفته بود و همان ضدّ ارزش‌ها را به جای ارزش‌های الهی نشاند، چنان کردند که «آرمان شهر آسمانی نبوی» به «ویران شهر زمینی اموی و عباسی» بدل شد؛ نعرهٔ زاغ و زغن را به جای نغمهٔ بلبل در این ویرانه گستراندند، چهره‌ای خشن و ضدّ انسانی از دین «رحمة للعالَمین» به انسانها بازنمودند؛ به گونه‌ای که همگان «یخرجون من دین الله أفواجاً» را شاهد بودند.

درمان این درد دیرمان، بازکاوی‌ای می‌طلبد دشوار، باحوصله و زمان‌بر؛ در عین آنکه فرصت بسیار اندک را از دست ندهیم و پژوهش‌هایی ژرف و استوار ارائه کنیم؛ از آن دست که میر حامد حسین‌ها و امینی‌ها در زمان خود عرضه کردند، با حفظ عنصر روزآمدی و پاسخ‌گویی به نیاز زمان، و البته مبتنی بر همان گنجینهٔ پربار آسمانی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام؛ یعنی شجرهٔ طیبه‌ای که به تعبیر قرآن: «تؤتی أکلها کل حین بإذن ربّها».

۱۱. حال که نوبت به اعترافات تلخ رسید، از یک نکتهٔ دیگر نگذریم.

فروکاستِ آموزهٔ «تفقّه در دین» به انحصار در احکام و فروع فقهی، خسرانی بزرگ است که پیامدهای آن، هر روز بیش از پیش بر سرمان آوار می‌شود؛ ولی ما، همچنان بی‌خبر از ریشهٔ درد و درمان بایستهٔ آن، در لاک فضای بستهٔ خود فرو رفته‌ایم. برای پاسخ به جوانانی که فرهنگ برخاسته از اطلاعات و ارتباطات، زودهنگام و بدون آمادگی‌های لازم به آنها بال و پرِ نمایش‌های پروازی داده، آنها را به بازگشتن به همان پیله‌ها فرا می‌خوانیم؛ دعوتی غیرمنطقی که پاسخ منفیِ آن را پیوسته می بینیم ولی همچنان بر آن پای می‌فشاریم.

این سخن هرگز به معنای کم ارزش شمردنِ احکام فروع دین نیست، که همین حرکت را جهت‌گیری انحرافی می‌دانیم که همگان باید نسبت به آن هوشیار باشند. بلکه بدان معنا است که «جوهر روحانی دین» را از یاد نبریم و آن را در پای «کالبد جسمانی احکام» قربانی نکنیم. باز هم تأکید می‌شود که همان «جوهر روحانی» را نیز، باید تنها و تنها، از متن کلام اهل بیت

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.2.6]

برگیریم نه از کلام و مکتب فلان صوفی و عارف گذشته و حال. ولی در هر حال باید با توجه به اهداف غایی دین به گونه‌ای استوار و جامع سخن گفت که در برابر چنان ویروس‌های اعتقادی به مرحلهٔ پیشگیری برسیم و نگذاریم کارمان به مرحلهٔ دشوار درمان برسد.

۱۲. پژوهشیان گرامند بر ما ببخشند که تلخ سخن گفتیم و «تلخی هشدار صادقانه» را بر «شیرینی مجاملهٔ دروغین» ترجیح دادیم.

امیدمان این بوده و هست که کلام امیر کلام صلوات اللّه علیه را هماره نه تنها آویزهٔ گوش کنیم، بلکه آموزهٔ جان بدانیم که فرمود: «من حذّرک کمن بشّرک». (نهج البلاغه، حکمت ۵۹)

و امید فزونتر آنکه چنین آموزه‌هایی را به جان بپذیریم و در مرحلهٔ عمل ابراز کنیم؛ چنانکه از حجت حیّ خداوند حکیم، حضرت بقیة اللهﷺ در این روزگار دشوار آموخته‌ایم که صادقانه از خدایمان بخواهیم و در مسیر دستیابی به این هدف در عمل با برنامه‌ریزی بکوشیم:

«اللهم ما عرّفتنا من الحقّ فحمّلناه، و ما قصرنا عنه فبلّغناه» (دعای افتتاح)

دعای خیر حضرتش پشتوانهٔ تمام کسانی باد که فرهنگ شکوفای انتظار را با قلب و زبان و عمل و جهادی خالصانه پاس می‌دارند. آمین یا ربّ العالمین.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.71.2.6]